

## گفتو گوی وسط هفته

### گفتوگویی با هادی معتمد، جامعهشناس و آسیبشناس اجتماعی درباره





زمانی کــه یــک زوج روســتایی را در نظر می گیرید، می بینید که پوشیش، لباسها و ی د کوراسیون منزلشان از نگاه بسیاری زما، دمده و نازیبا است، در صورتی که خود ار ما، دهده و داریبا است، در صور بی که خود آنها عمیقا باور دارند که بسیار زیبا است؛ انگار سلیقه آنها، اصالت دار دو سلیقه ما، نه. در ابتدا مایلم بدانم با ایـن گفته موافقید که

سلیقه ما، سلیقه جبر شده بر ما است؟ آنچنان که شـما هم اشـاره کردید، سـلیقه، حد بسیار زیادی، در جامعهای که بی هنجار ت یا به عبارت دیگر، از هنجارهای خاصی پیروی نمی کند، مثل جامعه ایران، تحمیلی ، به مد اسـت. درواقع در بعض ۔ رہے۔ مثل جامعہ ژاپسن، هنجارهای خاص خود را دارند که معمدولا تغییرناپذیرندد. جامعه ترکمنها، تاجيکها و جامعه افغانها نيز به همين نُحو است ۔ بیست و بیست کی بیر مسین دو کی کہ متحی ممکن است که هنجارهای ثابتی دارند که حتی ممکن الست از دید ما، ناهنجار باشسند اما در هــ صورت برای آنها هنجار است. زشست یا زیبا و البته، وارداتی به اسبار مساد رست یا ریب و است و را سی هم نیست. یعنی مربوط به خودشان است و کار خودشان را می کنند. جوامعی که هنجار ندارند، یعنی حتی مشخص

ر کی این در کر سی کی در کرد نیست که ناهنجار هســتند یا بهنجار و به تعبیری دیگر، جوامــع بیهنجاری هســتند، منجر به این میشَود که سلایق گُوناگونی در جامعهٔ وجود داشته باشد. به این معنی که افکار، خیلی هدفمند نیستند و افراد وقتی برای خرید لوازم خانه بامنزل یا لباس، ماشین یا هر چیز دیگر، فکر نمی کنند؛ بلکه از ۴۰ نفر می پرسند. یکی می گوید، پژو بخر، یکی دیگر می گوید سمند بخر؛ دیگری می گوید ماشین خارجی بخر و افراد نظرهای بیشتر را مىشمارند و درنهايت همان كار را انجام مىدهند.

به بیان ساده تر، دهن بینی در جامعه ما بسیار مرسوم و امر مردم اُز چه چیزی خوششان میآید. اگـر ۴۰ نفـر بگویند كــه الف بهتــر از ب اســت، به سسراغ الف ميروند. بسسته به رے ۔ کارر پولی که دارند و شرایطشان، سعی میکنند انتخابشان، نزدیکترین انتخاب به سلیقه بردم باشد.

. نیست و بیشتر چیزی است که جامعه آن را می پسـندد. در این میــان البته مد و

مدگرایی هم در این سلایق دخیل هستند. یک نکته خیلی مهم در اینجا وجمود دارد و آن این اســت که جامعه ما، جامعه جوانی است و براساس رابطه گروههای همسالان، بسیاری به هم مرتبط می شوند. جوانان ایرانی هم که دست شان در ی اینترنــت، موبایل و کامپیوتر اســت و اطلاعاتی را که به دست می آورند به یکدیگر انتقال میدهند. اگریک روز رنگ صورتی مدشبود، می بینید که ر تی ر بر بر کرد از گروههای همسال، تبعیت نمی کنند. از طرفی ما نهاد یـا کانونی برای هنجارسـازی نداریم. یک مدتی در نمایشگاهها، پوششُهای ملی- اسلامی را قرار دادند اما متاسـفانه به دلیــل عدم حمایت

طرح نو – مجتبی پارسا |جامعه ناهنجار و به تعبیری دیگر، جامعه «بدون» هنجار، جامعه مااست. جاه که تقریبا هیچ فردی، واجد خط فکری واضح و متمایزی نیست که متعلق به خود او باشد. بسیاری افراد در این جامعه، مرزبندی مشـخصی برای آنچه عقلانی یا غیر عقلانی، اخلاقی یا غیراخلاقی، من غیر منصفانه: ریباً یازشت و به تعبیری کلی درست یانادرست،است،تدارند.زیباً، آن چیزی است کهجامعه می گویدز بباست. دمده، آن چیزی است که افراد زیادی آن را دمده می دانند.این فقدان خط فکری حتی به هی ویود برونید سندست رویند این برونیست در سرونیدی زیر زمنندههای مصدین سندس صد صوری سی.» محموده عقل و آخلاق نیز و اردمی شود و متناسفانه اخلاقی و عقلاتی بداند. امر اخلاقی و عقلاتی آن چیزی است که جامعه آن را اخلاقی و عقلاتی بداند. در این میان امر دیگری که به صورت یک «یکیچ» به جامعه ارا به می شود، مقوله «سلیقه» است. به جر آت

می توان ادعا کرد سلیقه هیچ یک از ما سلیقه شخصی خودمان نیست: بلکه سلیقهای است که از جامعه. افراد پیرامون، رسـانههای داخلی و خارجی و سایر مســیرهای ارتباطی به ما «القا» و «جبر» شده است. بنابراین،سلیقه ما هیچ اصالتی ندار دو اساسا تعلقی به ماندار د.

ن او آن محمولاتشنان المراقع و المستكه براي گووش محمولاتشنان، از طريق «دستكاري» سليقه و به عبارت بهتر، «ذاققه» مردم، به خواسته خود، جامه عمل مي پوشانند از اين جهت، جوامع ديگر نیز: مردمان بی سلیقهای دارند، با این تفاوت که در جوامع توسعه یافته، هنجار های اخلاقی و عقلایی، کمتر دستمالی شده است. گفت و گوی «طرح نو» را با هادی معتمد، آسیب شناس اجتماعی و استاد دانشگاه، در این باباز دستندهید؛

> ولتها استقبال زیادی از آن نشد و افراد روی ن برنامهریسزی نکردند، برای همیسن، میبینید که چنین چیزی جمع میشـود و بازمی گردیم به همان پوششهای قدیم. منظور تان این اسـت که دولت باید سلیقه

مردم را تعیین کند؟ ممکن است کمی بیشتر در این باره توضیح دهید؟

کیر، ما باید هنجارسازی کنیم. یعنی هنجارها را مشخص کنیم اما سلایق را مردم خودشان انتخاب کنند. به طــور مثال، می گوییم که هنجار ســاخت خانههای ما به نحوی اســت که اشراف نداشته باشداما دیگر نباید بگوییم که پنجره

استوبراساس رابطه

لباســى كه مىپوشـ

خانه تُــان آبــی یــا آلومینیوم باشــد یا هر چیزی شــبیه این. باب د کلیت قضیه را که همان ... هنجارها هستند بسازیم، روی جزيبات اين قدر دقيق نشويم. متاسـفانه ما، همیشــه اینطور بودیم که بیشتر، بــه جزیبات می پردازیــم. در قانونمان هم به همین شکل عمل می کنیم.

جامعهما،جامعهجواني گروههایهمسالان،بسیاری بههمر تبطمیشوند.جوانان ایرانی هم که دست شان در اینترنت موبایل و کامپیو تر استواطلاعاتیراکهبهدست میآورندبهیکدیگرانتقال مثلا می گوییم لباس آســتین کوتــاه نباید بپوشــید می دهند. اگریک روز رنگ صورتیمدشود،میبینیدکه دردوساعت،همهجوانان ایران أستين بايد بهاین رنگ، گرایش دارند.

تا زیر آرنج باشد و اندازه

مردم را مجاب می کنند که اولا بدون استفاده از فلان بری پوشش یا لوازم آرایشی، بست ر می گیر یــم و کارهایــی از ایــن قبیــل انجام میدهیم اما در کل نمی گوییم

دمده و غیرقابل تحمل هستند و بعد از آن که ذائقه آنها را تغيير دادند و نياز را در آنها ايجاد

داده نمی شود.

تروییچ و جبر نامحسوس سلیقه در جوامیع توسعهیافته و لیبرال، بسیار

بیشتر اتفاق میافتد. یعنی توسط رسانه، فیلمها و ...،

کردند، مردم را با تبلیغات و توسط صنعت فرهنگ، مجاب به مصرف از انواع و اقسام بحصو لات شان

مردم در آن جــا هم بمباران تبلیغاتی میشــوند و در این جا هــم همینطور اما با ایــن تفاوت که در آنجا، در کنــار بمبــاران، آموزشهایی را هم میبیننــد امــا در اینجــا، آموزش خاصــی داده ی... نمیشود. به همیت دلیان، عددای تصمیم می گیرند که چه کاری را مردم انجام بدهند می بیرست به چه ناری را مردم ابنیام بدهند یا ندهند به طور مثال موضوع جراحی زیبایی بینی در ایران چندین برابر عمل زیبایی بینی در کل جهان است. این موضوع به مدو یک سلیقه تبدیل شده است. بسیاری افراد به ما ایرانی ها می خندند و می برسند کسی از شدما باقیمانده می خندند و می برسند کسی از شدما باقیمانده است دارای این شاخصه ها باشد که مثلا در فضای گرم ایران، گشاد باشد؛ یا بدن نما نباشد یا ... بنابراین ما باید نهادهای هنجارسازی هم داشته باشیم. به قول شما، «صنعت تولید فرهنگ»، که بینیاش را عمل نکرده باشد؟ به نظرشان می آید که همه ما ناقصالخلقه هستیم و نیاز به این عمل ها داریم. بسیاری افراد هستند مثل صنعت توليد ماشين است. بايد هر روز روى مثل صنعت تولید ماشین است. باید مر رور روی آن کار شود، کارشناسے، تولید، تبلیغ، ارزیابی، ،شــتــانر . و چیزهایے از این دســت باید انجام که با این که بینی زیبایی دارند اما به خاطر این که صرفا عمل کرده باشند، این کار را انجام

ســرمایهداران کــه بیــکار ننشســتهاند نمینشــینند. اگــر بیــکار نشســته بودنــد ک

سرمایهدار نمیشدنُد. حتی میخواهم بگویم در هنجارهای آنها، نوعی بیهنجاری نهفته است و

آنها هنجارهای خاصی را نمی پذیرند. به بیان دیگر، آنها دامنه انتخابها و امکانهای مختلفی دراجلوی پای شما قرار دادهاند. بهطور مثال برای

. خرید ماشین، از بنز المانی گرفته تا استالهای چینی، جلوی شما قرار دارد. حالا زور تبلیغات

پینی، برق سند و رو دارد. هر کسی بیشتر باشد، پیروز این رقابت است اما در کشـور ما که فرهنگ غنی تــر و بر تری وجود دارد، اجازه داده نمیشـود که هــر چیزی تبلیغ

شود. بنابراین اصل قضیه، اساســـا تبلیغ نیست

می دهند. این چیزها در اروپا و آمریکا دیده نمی شود، به این دلیل که آموزش آن داده شده هنر و هنجُارُسازی هنری نداشته باشد، وضع فرهنگی ما، بسدون هنجاری باقی میماند. آن قدر درگیری سیاستی در کشور مازیاد است و مسائل سیاستی پررنگ هستند که به سایر مسائل اومیت جندان ست. آموزش مهارتهای زندگیی را از ابتدا به جوامعي كههنجار ندارند، . ی ټرر سایر مسائل، اهمیت چندانی عمان می کنے کہ این عمان می کنے

یعنی حتی مشخص نیست کهناهنجارهستندیابهنجار وبه تعبیری دیگر، جوامع ىھنجارىھسا ے . ری ۔۔۔۔۔۔ بهاینمیشودکهسلایق . تین کی در جامعهوجود کاوناگونی در جامعهوجود داشتهباشد.بهاینمعنی که فكار،خيلي هدفمندن وافرادوقتىبراى خريدلوازم خانه يامنزل يالباس،ماشين يا هرچیزدیگر،فکرنمیکنند

فحش بدهند و بــه جناحهای دیگر بپرند، یکبار به مســأله مــواد مخدر، یا مد یا مسائل اجتماعی بپردازند. اگر هم بخواهند به این مسائل ورود پیدا کنند، از نظر گاه سیاسی ر بر چه سیاسی وارد می شـوند و آن را دســتاویزی برای حمله به گده در ا گُروه سیاسی خاصی می کنند. مَسْأَله اُمروز ایران، مسـأله آسـیبهای اجتماعی اسـت. اعم از فقر، فحشا، بی هنجاری، کلاهبر داری، دز دی، اعتیاد ت. می خُواهـــمُ بگویم نگاه و چیزهایی از این دست. میخواهیم بگویم نگاه بسیاری از سیاستمداران، یا روزنامهها به جامعه، ر ایران که است. برای جامعه بی هنجاری مثل ایسران که حتی جوانان نمی دانند خوب و ری ـت، جامعـهای که جوانان آن سـر در گم هســتند، رفتارها و مواضع آنهـا در قبال مسائل اجتماعی جز رفتارهای ناهنجار

چیز دیگری نمی تواند باشد.

پ چــراماايــن آموزشهارا

نمی دهیم؟ به ایسن دلیل که سرگرمی

مسئولان ما، سرگرمیهای

بسیاری از روزنامهها

بسیری از روزمست و مطبوعات هم به ایس قضیه دامن میزنند. انگار جز مسائل سیاسی، اعم از مسأله

هُـرُ روز به این فـرد و آن یکی

ـــی آســت نه ُ چیز دیگر

نهای یا هر چیز دیگر، هیچ هسته ای یا هر چیر دیدر، هیچ مسأله اجتماعی در این کشور وجود نــدارد. به جــای این که

سياســ

#### امروز باسعدى شيراز

#### توگرخشمبروينگيريرواست

چـو خدمتگزاریـت گــردد کهــن گسر او را هسرم دسست خدمست شنیدم که شاپور دم در کشید چـو شـد حالـش از بینوایـی تبـاه چـو بــذل تــو كــردم جوانــی خويــش غریبی که پر فتنه باشد سرش تــو گــر خشــم بــروی نگیــری رواســت وگسر پارسسی باشسدش زاد بسوم

تــو را بــر كــرم همچنــان دسـ چــو خســرو بــه رســمش قلــم درکشــید نبشـت ایـن حکایـت بـه نزدیــک شـاه بـه هنـگام پیـری مرانـم ز پیـش میازار و بیسرون کسن از کشسورش کـه خود خــوی بــد دشــمنش در قفاســت به صنعاش مفرست و ستقلاب و روم

حــق ســاليانش فرامــش مكــن

#### یکخبر|یکنگاه

### هواى پاك تهران!

در طول سال کمتر روزی است که بشنویم هوای پایتخت در شرایط سالم قرار دارد؛ در بهترین حالت آلاینده های هوای تهران در حالت ناسالم قرار دارند و بدترین حالت هم در حالت هشدار و اضطرار است. اكثر روزهاى نيمه دوم سال گذشته، آلاينده هاى تهراُنُ دُر این سطحُ قُرار داشتند. در حالی که طی روزهای گذشته وزش بادهای بهاری بر تغییر سطح روزهای کنشته وزش بادهای پهاری بر تغییر سطح ذرات معلق در هوا تاتیر گذاشت است. بر اساس اطالاعات در سیده از ایستگاه های سنجش آلودگی هوای شهر بر میزان غلظت کلیه آلاینده ها نسبت به روز گذشته کاسته شده و به این ترتیب میانگین غلظت کلیه آلاینده هابه غیر از ایستگاههای دروس ، ستاد بحران ، پارک رازی ،دانشگاه تهران، دانشگاه عت و فرمانداری شهرری به لحاظ آلاینده ذراتُ معلق کمتر از ۲/۵ میکرونُ در سایر ایستگاهها در حدمجاز بوده وشاخص کیفیت هواهم اکنون در

نمدرستگاری،معاون نظارت و پایش محیط

تمام آلاینده ها از شرایط ناسالم برای گروه های حساس در روز گذشته، امروز کیفیت هوای تهران به شرایط سالم رسید براساس اطلاعات رسیده از به ساعت ۱۱ صبح امروز در شرایط سالم قرار گرفته است. میزان غلظت آلاینده ذرات معلق باقطر کمتر از ۲٫۵ میکے ون و ذرات معلق باقطے کمتر از ۱۰ ر سر آرگی را در می در ۱۹ و ۶۲ و ۶۲ و در شرایط میکرون به تر تیب روی عدد ۹۱ و ۶۲ و در شرایط سالم قرار گرفت رستگاری افزود: میزان غلظت آلاینده های مُنواکسید کُربَّن رُوی عَدُد ۳۶ ازن ۲۸ ،اکسید گوگرد ۲۰ ودر وضعیت سالم قرار دارد. معاون نظارت و برات و دروستیت سنهم حرور درد. معاون نظارت و پایش محیط زیست استان تهران به افراد مبتلابه بیماری های قلبی و رپوی، سالمندان و کودکان توصیه کرداز فعالیت های طولانی مدت

زيســت اســتان تهران بااشـــاره به بهبود شاخه کیفیتِهوای تهران گفت:باکاهشُمیانگینغلظت

# PA

### سرنوشت مادرها چنین است | آلبادسس پدس

در پانزده ســالگی. وقتی زندگــی را آغــاز می کنی، عشق ابدی است. دخترها بــه راحتی با

یکدیگر درد دل می کنند . . . ر ر ص ی مردها این طور نیســتند. احساســات خــود را در قلب نگاه میدارنــُد و ُبروزُ نمیدهنــد چون مطمئن نمیدهسند چون مطمئن هستند که کسی دردشان را درک نخواهد کرد. زنها این طور مسائل را زودتر " درک می کننــد. بار دیگر به کتابهایش نــگاه کرد.

تمام آن هارا خوانده واز هر یک چیزی آموخته بود می گذارند و فرزندشان ترکشان می کند و به دنبال واکنون می دید که پیر شده است. پیر و خسته چندی بیش نمانده تا تمام آن دانش بیهوده خود ب**رسی از یک دسته گل بنفشه** 



شغل خود بود. به همین دلیل هرگلز وُقلتُ أَن رابهُ دُس نياُوردهُ بُود تا كنار اُو بنشــيند ، به بنانو ; دنش گیوش کند . شایدحق با دانابود که می گفت نسان عاشق همین کارهای

# Ö

ز ایش زمین تى زرع مردم شمس آباد شهرستان شهر كرد



